

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۷

اخلاق اجتماعی

محمد طالعی اردکانی*

چکیده

رابطه انسان برحسب طرف رابطه، به چندگونه شکل می‌گیرد: رابطه با خالق و رابطه با مخلوق. رابطه با مخلوق نیز یا با خود است و یا با دیگری، و آن دیگری نیز یا انسان است و یا موجودی غیر بشری. بر این اساس، علم اخلاق مشتمل بر حوزه‌های مختلفی خواهد بود؛ مانند اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست‌محیطی. مراد از اخلاق اجتماعی؛ ارزش‌ها و ضدارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌ها می‌باشد؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان، حسد و تکبر. در تفاوت میان اخلاق فردی و اجتماعی باید گفت؛ نمی‌توان انکار کرد که اخلاق فردی نیز تأثیر غیر مستقیم بر مسائل اجتماعی دارد. ولی در زندگی اجتماعی؛ قوانین، مقررات و آداب خاصی، ضرورت می‌یابد که بسیاری از آنها در زندگی فردی مطرح نمی‌شود؛ لذا اسلام - به عنوان دین خاتم - کامل‌ترین و عالی‌ترین برنامه زندگی را در هر دو بعد فردی و اجتماعی به ارمغان آورده و عمل بدان به طور قطع سعادت فرد و اجتماع را تأمین می‌کند.

کلید واژه‌ها: اخلاق، اخلاق اجتماعی

* دانش پژوه سطح سه ... موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام

M_taley@yahoo.com

مقدمه

امام محمدباقر(ع) می فرماید:

ثلاث لم يجعل الله (عزوجل) لاحد فيهن رخصه: اداء الامانه الى البر و الفاجر؛

والوفاء بالعهد للبر و الفاجر و بر الوالدين برين كانا او فاجرين!

در سه چیز خداوند متعال به احدی اجازه ترک آنها را نداده است:

- ادای امانت به مردم نیکوکار و فاسق
- وفای به عهد و پیمان نسبت به نیکوکار و فاسق
- نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا فاسق و لاابالی.

برخی بر این باورند که اخلاق، امری نسبی است؛ از همین رو چیزی که در جامعه‌ای ارزش و امری هنجاری است می‌تواند در جامعه دیگر ضد ارزش و نابهنجار باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که اخلاق هیچ مبنایی ندارد، تا بتوان بر اساس آن اخلاق مشترک جهانی داشت و جوامع بشری را به یک اخلاق دعوت کرد و مردم را بر اساس آن، تربیت و به وحدت فکری و فرهنگی رسانید، در حالی که این دیدگاه چندان درست به نمی‌رسد و اخلاق در اصول و ریشه‌های اساسی و کلی‌اش دارای مبانی از جمله مبانی فطری بشری است و بر همین اساس از وحدت اخلاقی می‌توان سخن به میان آورد که در آن همه بشریت بر اموری چون وفای به عهد و امانت‌داری به عنوان ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری تأکید دارند.

در حقیقت همه انسان‌ها دارای گرایش‌های فطری به اموری هستند که از آن به فضایل اخلاقی و ارزش‌های برتر انسانی یاد می‌شود. این بدان معنا خواهد بود که اگر تربیت‌های نادرست و غلط را کنار بگذاریم هر کودکی به اموری گرایش می‌یابد که فضایل اخلاقی نامیده می‌شود. این اصول فطری همان چیزی است که اسلام از آدم(ع)



تا خاتم(ص) به عنوان فلسفه و سبک الهی زندگی بدان دعوت کرده است؛ زیرا اسلام به عنوان یک آیین الهی بر محور و مدار فطرت است و همواره میان احکام آن دو مطابقت است.^۲

اخلاق اسلامی به چهار بخش اخلاق الهی و اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط زیست تقسیم می‌شود؛ که در اینجا به اخلاق اجتماعی می‌پردازیم. محور اصلی در اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است که از معاشرت با آنان و زندگی اجتماعی پدید می‌آید.

اخلاق اجتماعی به دو دسته فضائل یا همان خوبی‌ها و رذائل یا همان بدی‌ها تقسیم می‌شود.

۸۴

أ. برخی از مهم‌ترین عناوین فضائل اخلاق اجتماعی:

۱. وفای به عهد
۲. امانت‌داری و ادای امانت
۳. عفو و گذشت
۴. خوش‌رویی
۵. مدارا
۶. مودت و اخوت با مؤمنان
۷. نفرت از دشمنان دین
۸. وجدان‌کاری
۹. خیر خواهی
۱۰. خانواده‌گرایی

۱. وفای به عهد

از خصلت‌های فطری و جهانی بشر می‌توان به وفای به عهد و پیمان اشاره کرد. به همین سبب دانشمندان اصول فقه، حکم به لزوم رعایت عهد را از مستقلات عقلیه به شما آورده اند؛ یعنی عقل بدون کمک وحی لزوم رعایت عهد را می‌فهمد؛ و اگر انسان‌ها

۱. آل عمران، آیات ۱۹ و ۸۵؛ شوری، آیه ۱۳.

۲. روم، آیه ۳۰.

بخوانند به عهد و پیمان عمل نکنند سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. عهد در لغت، حفظ و نگهداری چیزی و مراعات آن در همه احوال است.^۱ در آیات قرآن هم از عهد انسان با انسان و نیز از عهد انسان با خدا سخن به میان آمده است.

۱-۱. وفای به عهد در قرآن

انسان می‌بایست به هر عهدی که بسته وفا کند و عهدشکن و پیمان‌شکن نباشد. خداوند وفای به عهد را به مؤمنان فرمان داده و آن را صفت اهل ایمان دانسته است.^۲

خداوند در آیه ۳۴ سوره اسراء می‌فرماید: **و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسولا، به عهد و پیمان وفا کنید.** که عهد از چیزهایی است که از آن سؤال می‌شود. در آیه ۱۵ سوره احزاب نیز همین مطلب تاکید و تکرار شده تا مردم نسبت به اهمیت و ارزش عهد توجه و اهتمام پیدا کنند.

از آیه ۹۲ سوره نحل برمی‌آید که سوگند و پیمان با دیگران، زمینه آزمایش الهی برای انسان است و انسان باید مواظب باشد تا از این آزمون‌های الهی سربلند بیرون آید. آیات بسیاری از جمله آیات ۲۷ و ۴۰ و ۶۳ و ۸۳ و ۸۴ و ۹۳ و ۱۷۷ سوره بقره و ۷۷ و ۸۱ و ۸۲ سوره آل عمران و مانند آن‌ها بر وجوب پایبندی انسان به عهد و پیمان‌های مقرر بین خود و خداوند تاکید می‌کند؛ چنانکه نقض عهد نسبت به هر کسی و هر چیزی را ناروا و حرام دانسته و عذاب و خشم الهی را وعده داده و بدان تهدید کرده است.^۳

۱-۲. وفای به عهد در روایات

رسول اکرم (ص) در اهمیت وفای عهد می‌فرماید: **لادین لمن لا عهد له؛ آن کس که وفای به عهد و پیمان نکند، دین ندارد.**^۴

همچنین می‌فرماید: **ما کان یومن بالله من لم یرع عهوده و ذمه؛ ایمان به خدا و روز قیامت ندارد کسی که مراعات عهد و ذمه دیگران نمی‌کند!**

۱. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۵۹۱، واژه «عهد»

۲. بقره، آیه ۱۷۷.

۳. بقره، آیات ۸۳ تا ۸۵، رعد، آیه ۲۵؛ آل عمران، آیه ۷۷.

۴. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۹۶.



حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید:

لا تعتمد علی موده من لا یوفی بعهده؛

بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی‌کند اعتماد مکن!^۱

و نیز می‌فرماید:

سریع‌ترین چیزها به کیفر، آن است که با او پیمان‌بندی و قصدت وفای به آن

باشد و او قصد خیانت به تو را داشته‌باشد.^۲

به مالک اشتر نیز می‌فرماید:

(ای مالک) اگر بین خود و دشمن پیمانی بستی و یا پیمان و پناه دادن را به

او دادی، جامه وفا را بر عهد خویش بیوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و

برای حفظ آنها سینه خود را سپر قرار بده. هیچ‌گاه به عهد و پیمان خیانت

نکن و پیمان‌شکنی ننما و دشمن را فریب مده، زیرا غیر از نادان و شقی

کسی گستاخی بر خداوند روا نمی‌دهد (چون عهدشکنی، گستاخی بر خداوند

است). خداوند عهدی را که به نام او منعقد می‌شود از روی رحمت، مایه

آسایش بندگان قرار داده و حریم امنی است که در سایه نیروی آن، سکونت و

آرامش پیدا می‌کند و با سرعت به سوی آن پناه می‌برند.^۳

۲. امانت‌داری و ادای امانت

امانت، ضد خیانت و به معنای راستی، ودیعه و هر چیزی است که برای نگاهداشتن به

کسی سپارند.^۴ امانت‌داری از عام‌ترین ارزش‌های اخلاقی است که هیچ استثنایی ندارد.

همه انسان‌ها از هر آیین و نژادی قبول دارند که امانت‌داری امری نیکو و پسندیده‌است

و خیانت در امانت نکوهیده و مذموم است. البته از یک نگاه امانت‌داری یکی از مصادیق

وفای به عهد است؛ زیرا وقتی کسی امانتی را می‌پذیرد بدین معناست که با شخص

امانت‌دهنده پیمان می‌بندد که هر گاه امانتش را خواست به او برگرداند. اما چون

امانت‌داری عهدی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است جداگانه ذکر می‌شود.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲. غرر الحکم، ص ۳۲۴.

۳. غرر الحکم، ص ۱۹۷.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. لغت‌نامه دهخدا.



نظام اجتماعی و زندگی اجتماعی و بنیادهای اجتماعی بر پایه اعتماد متقابل بنا شده‌است و اگر مردم این امانت‌داری را رعایت نکنند نظام اجتماعی فرو می‌ریزد، چرا که اعتماد متقابل بین مردم از بین می‌رود؛ از این رو عقل ارزش بودن امانت‌داری را درک می‌کند.

امانت‌داری تنها در حفظ اموال شخصی دیگران نیست بلکه سخنان آنها را هم شامل می‌رود. اگر کسی سخنی را به دیگری گفته و راضی به آشکار شدن آن نیست آشکار کردن آن سخن نیز خیانت در امانت است. همین‌طور حفظ اموال عمومی و بیت‌المال که در اختیار ماست از مصادیق امانت است.

۲-۱. امانت‌داری در قرآن

خداوند در آیه ۲۷ سوره انفال خیانت در امانت با آگاهی از امانت بودن آن را حرام دانسته و در آیه ۲۸۳ سوره بقره و ۵۸ سوره نساء بر وجوب رد امانت به صاحب آن بی‌توجه به دین و مذهب و رنگ و نژاد و خرد و کلان تأکید کرده‌است. از نظر قرآن امانت‌داری از امور ارجمند و ارزشی در نزد خداست و حتی امانت‌داری ملاکی برای ارزشیابی افراد دانسته شده‌است.^۱

خداوند در همین آیات امانت‌داری را از مصادیق وفای به عهد می‌داند و در آیه ۵۵ سوره یوسف اصلی مهم در واگذاری مسئولیت‌ها به اشخاص معرفی می‌کند و در آیه ۲۶ سوره قصص نیز از ملاک‌های استخدام اجیر و به کارگیری افراد بیان می‌کند. از آیات ۵۴ و ۵۶ یوسف برمی‌آید که امانت‌داری، ملاک قرارگرفتن در زمره نیکوکاران و محسنان است.

از نظر آموزه‌های قرآنی خیانت در امانت از هر کسی و نسبت به هر شخصی حرام و نارواست و خداوند در آیه ۲۸۳ سوره بقره و ۱۶۱ سوره آل‌عمران و ۲۷ سوره انفال به خیانت در امانت هشدار داده و از آن نهی کرده‌است.

البته برخی از اهل کتاب که خود را اهل دین الهی می‌دانند خیانت را نسبت به برخی دیگر جایز می‌دانند و آن را به‌عنوان حکم الله معرفی می‌کنند، در حالی که چنین نسبت و تجویزی کذب محض و افترا به خداست.^۲

۱. آل‌عمران، آیات ۷۵ و ۷۶.

۲. آل‌عمران، آیه ۷۵.



از آیه ۱۶۱ سوره آل عمران به دست می‌آید که خیانت در امانت مایه رسوایی و کیفر در قیامت خواهد بود و از آیات ۷۲ و ۷۳ سوره احزاب نیز به دست می‌آید که گرفتاری به عذاب الهی، فرجام بد کیفر خیانت منافقان و مشرکان در امانت‌های الهی است. به هر حال، با نگاهی به سیر و سلوک اقوام گوناگون نیز می‌توان دریافت که همه انسان‌های دارای فطرت سالم نسبت به امانت‌داری حساسیت داشته و به خود و دیگران اجازه خیانت در امانت نمی‌دهند و آن را به‌عنوان رفتاری زشت دانسته و از آن پرهیز می‌کنند.

۲-۲. امانت‌داری در روایات

حضرت امام سجاد(ع) فرمود: اگر قاتل پدرم شمشیری را که با آن پدرم را به شهادت رساند نزد من امانت می‌گذاشت آن را به صاحبش برمی‌گردانم.^۱ امیرمؤمنان علی(ع) در سفارش خود به کمیل بن زیاد می‌فرماید: ای کمیل بدان که ما در ترک امانت نسبت به هیچ کس مجاز نیستیم. پس هر کسی از ما روایت جواز و رخصت در خیانت و ترک امانت کرده به تحقیق که گناه کرده و کیفرش آتش دوزخ است نسبت به کذبی که گفته‌است. سوگند می‌خورم که از پیامبر خدا(ص) پیش از وفات و رحلتش شنیدم که سه بار فرمود: ای اباالحسن! امانت را در کوچک و بزرگ به نیکوکار و بدکار ادا کن حتی اگر نخ و سوزن باشد.^۲ ادای امانت از نظر اسلام بسیار مهم است. حتی اگر چیز ارزان قیمتی نزد انسان امانت باشد، باید در حفظ آن بکوشد و به صاحبش برگرداند خواه، آن شخص مؤمن باشد و خواه فاجر و حتی کافر. لکن باید دانست که امانت تنها امانت مالی نیست، بلکه وظیفه‌ای که به دوش ما است و یا اسرار و سخن دیگران که نزد ما است همه امانت است و باید از آن نگهداری کرد.

۱. دارالاسلاج ۲ ص ۱۴۰.

۲. تحف العقول، ص ۱۷۵.



۳. عفو و گذشت

عفو به معنای گذشت از گناه و خطا، نگرفتن حق و حقوق خود، تسامح، مدارا، اغماض و صفح نسبت به دیگری، یکی از مصادیق فضیلت اخلاقی احسان است. در آموزه‌های اسلام بسیار بر عفو تأکید شده و زندگی اجتماعی و سبک زندگی قرآنی و اسلامی بر محور مدارا بنا شده است.

۳-۱. مفهوم عفو

عفو واژه عربی و به معنای زمین رها و مغفولی است که هیچ گامی بر آن نهاده نشده و هیچ آثاری در آن نیست. همچنین به معنای آب بیش از نیازی است که بدون سختی و زحمت به دست می‌آید. این واژه سپس به معنای رها کردن حق و حقوق و نیز گذشت و بخشش از خطا و گناه دیگری به کار رفته است.

۳-۲. عفو در اصطلاح

۱. گذشت از گناه و خودداری از مجازات بر آن (اصطلاح قرآنی)
۲. باقیمانده مال از نفقه و خرجی که بخشیدن آن سبب تنگدستی صاحبش نگردد، آمده است!

۳-۳. عفو در قرآن

عفو یکی از اسمای حسنای الهی به معنای محو آثار گناه و بخشش بسیار است. خداوند در قرآن فرموده است: **ان الله لعفو غفور؛ به راستی که خداوند بخششگر و آمرزنده است!**

خداوند در آیاتی از جمله آیه ۳۴ سوره فصلت، برتری عفو و گذشت، نسبت به مقابله با بدیها و برخورد کریمانه و اغماض از آزار و اذیت دیگران را مورد تأکید قرار می‌دهد. حتی در آیه ۶۰ سوره حج به مسلمانان مورد ستم واقع شده از سوی مشرکان، در مورد عفو و گذشت از آنها توصیه می‌کند تا برتری عفو را نسبت به مجازات و عقوبت مورد تأکید قرار دهد؛ و حتی پیامبر(ص) مأمور به عفو در قبال بدی‌های مشرکان است.^۳

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۲۹۴ و ۲۹۶، «عفا».

۲. نساء، آیه ۹۹.

۳. مؤمنون، آیه ۹۶.



به سخن دیگر، اگر انسان بخواهد دیگران را به اسلام دعوت کند باید مشکلات و مصیبت‌هایی را که از سوی دیگران می‌رسد تحمل کند و با صبر و حلم و شکیبایی و بردباری اجازه دهد تا دیگران با روحیه احسانی و اخلاق کریمانه آشنا شوند. از نظر قرآن به طور کلی عفو و گذشت انسان از حق خویش، امری ارزشمند و حتی مستحب است^۱ و این ارزشمندی و استحباب بویژه در شرایطی چون قدرت بر انتقام و عقوبت^۲ و ناتوانی طرف مقابل خصوصاً در امور مالی^۳ و تخلفات جنگی^۴ اختلافات خانوادگی^۵ و مانند آنها ارزش بیشتری می‌یابد. گاه انسان به سبب ناتوانی، از انتقام و مجازات دست برمی‌دارد و آن را ترک می‌کند درحالی که اگر قدرت می‌داشت بدون اغماض، مجازات و عقوبت را انجام می‌داد. پس اگر در این موارد عفو می‌کند از سر ناچاری است که ارزش کمتری دارد هر چند که بی‌ارزش نیست بلکه حتی مستحب است تا به این رویه خو گرفته و عادت به عفو کند.

۳-۴. عفو در روایات

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: عفو و گذشت جلو تسلسل ناهنجاری‌ها، خشونت‌ها، جنایت‌ها و کینه‌توزی‌ها را می‌گیرد.^۶

حضرت علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام کنیزی داشتند که آب روی دست حضرت می‌ریخت تا ایشان برای نماز وضو بگیرند. یک بار هنگامی که روی دست حضرت آب می‌ریخت، ظرف آب از دست او روی صورت حضرت افتاده و آن را مجروح کرد، حضرت سرشان را به سوی او بلند کردند. و به او نگریستند، در این حال او گفت: خداوند عزوجل می‌فرماید:

«و الكاظمین الغیظ» حضرت به او فرمودند غیظ و خشم خود را فرو خوردم.
او گفت: «و العافین من الناس» حضرت به او فرمودند خداوند تو را عفو کند.

۱. بقره، آیه ۲۳۷؛ نحل، آیه ۱۲۶.

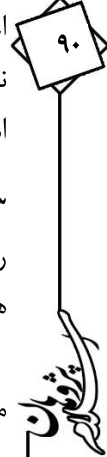
۲. بقره، آیه ۱۷۸.

۳. بقره، آیه ۲۸۰.

۴. آل عمران، آیه ۱۵۲.

۵. نساء، آیه ۱۲۸.

۶. کنز العمال ج ۳ ص ۳۷۳ حدیث ۷۰۰۴.



او گفت: «والله يحب المحسنين» حضرت فرمودند: برو که تو آزاد هستی!!
از این داستان هم بزرگواری حضرت و هم تربیت اسلامی این کنیز و آشنائی او با آیات قرآنی و فرهنگ اسلامی قابل استفاده است.

۳-۵. استثناء در عفو

خداوند در قرآن می‌فرماید:

الزانية والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده ولا تاخذکم بهما رافه فی دین

الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین.^۲

زنان و مردان زناکار را هر کدام صد تازیانه بزنید و هرگز درباره آنان، در دین خدا، شما را رحمت و رأفت فرا نگیرد، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید عذاب آن دو را گروهی از مؤمنان مشاهده کنند.

در کنار تمام آن چه در فضیلت و اهمیت عفو و اغماض نسبت به خطا و گناه دیگران گفته شد باید یک نکته مهم را نیز مدنظر قرار داد و آن اینکه گذشت در جایی ارزش و فضیلت و تأثیرگذار است که شخص خطاکار از کرده خود پشیمان شده و از راه خطا برگشته‌باشد و هیچ اصراری بر انجام اعمال بد و خطای خود نیز نداشته‌باشد. اما اگر گذشت، موجب گستاخی و جری‌تر شدن وی شود و یا زیان‌های بیشتری را متوجه فرد و جامعه کند بویژه در رابطه با تبه‌کاران و جانین سابقه‌دار که امیدی به اصلاح آنها نیست، گذشت در چنین شرایطی کاری شده‌است خلاف عقل و توصیه‌های دینی است و از آن نهی شده‌است.

۴. خوش‌رویی

یکی دیگر از صفات ارزشی، خوش‌رویی و گشاده‌رویی در برخورد با دیگران است. خوش‌رویی به معنای ایجاد بستر لازم و زمینه مناسب برای ارتباطات اجتماعی میان انسان‌ها جهت انس‌گیری و بهره‌مندی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های یکدیگر در راستای دستیابی به کمال و خواسته‌های خود است.

۱. بحار الانوار ج ۶۸ ص ۴۱۴

۲. سوره نور آیه ۲

در مواجهه دو نفر با یکدیگر، پیش از هر سخن و عمل، دو صورت با هم روبه رو می‌شود. مواجهه دو انسان با هم و کیفیت این رویارویی چهره‌ها، نقش عمده در نحوه گفتار و رفتار دارد و رمز گشایش قفل دل‌هاست.

«خوش‌رویی»، هم در نگاه مطرح است، هم در لب‌خند. هم در گفتار آشکار می‌شود، هم در رفتار. چه بسا رابطه‌ها و دوستی‌هایی که با «ترش‌رویی» و «اخم کردن» و «عبوس شدن» به هم خورده است. از سوی دیگر مبدأ بسیاری از آشنایی‌ها هم یک «تبسم» بوده است. وقتی با چهره شکفته و باز با کسی روبه رو می‌شوید، در واقع کلید محبت و دوستی را به دست او داده‌اید. برعکس، چهره اخمو و ابروهای گره خورده و صورت درهم و بسته، دریچه ارتباط و صمیمیت را می‌بندد. اگر این خوش‌رویی و خنده‌رویی با نیت پاک و الهی انجام گیرد، علاوه بر تأثیر محبت‌آفرین، «حسنه» و «عبادت» به حساب می‌آید.

۴-۱. خوش‌رویی در قرآن

قرآن، شخصی را به سبب ترش‌رویی با شخص نابینا نکوهش می‌کند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۱ عَبَسَ ۲ وَتَوَلّٰی ۳ اَنْ جَآءَهُ الْاَعْمٰی ۳ وَمَا یُدْرِیْكَ لَعَلَّهٗ
یَزْكٰی ۴ اَوْ یَذْكُرُ فِتْنَفَعَهُ الذِّكْرٰی ۱

روی را ترش کرد و سر برگردانید، چون، آن نابینا به نزدش آمد، و تو چه دانی، شاید که او پاکیزه شود، یا پند گیرد و پند تو سودمندش افتد.

قرآن همچنین ضمن حکایت لقمان به فرزندش، از ترش‌رویی و روی برگرداندن از مردم باز می‌دارد.

وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِی الْاَرْضِ مَرَحًا ۱ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ
فَخُوْرٍ ۲

و روی خود را از مردم (به تکبر) بر مگردان، و در زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

خداوند در جای دیگر می‌فرماید:

۱. عبس آیات ۱ الی ۴.

۲. لقمان آیه ۱۸.



«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ»^۱

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و شدید و در میان خود مهربانند .

۴-۲. خوش‌رویی در روایات

از پیامبر گرامی (ص) روایت شده است که آن حضرت درباره آثار خوش‌رویی می‌فرماید: خوش‌خویی خود عبادت است و خوش‌خو، پاداشی همانند پاداش روزه‌دار می‌گیرد.^۲ امام باقر (ع) نیز در همین رابطه می‌فرماید:

تبسم الرجل فی وجهه اخیه حسنه؛ لبخند شخص به صورت برادرش برای او حسنه و کار نیک شمرده می‌شود.^۳

در خبر دیگری از آن حضرت نقل شده است که «ما من شیء فی المیزان اثقل من حسن الخلق؛ هیچ چیز در ترازوی عمل، سنگین‌تر از خوش‌رویی نیست»^۴. زیرا انسان با خوش‌رویی است که همه کمالات را می‌تواند در خود تجلی دهد و مظهر کمالات اسمایی الهی شود.

۵. مدارا

معنای رفق و مدارا: واژه‌شناسان رفق و مدارا را چنین معنا کرده‌اند: الرِّفْقُ: اللُّطْفُ و هو ضِدُّ العُنْفِ؛ رفق به معنای لطف در برابر زور است.

در مرآة العقول^۵ در تعریف رفق و مدارا آمده است: رفق یعنی نرم‌خویی، رأفت، ترک زور و خشونت در سخن و عمل در برابر مردم در تمام حالات، چه این‌که از طرف مردم خلافی نسبت به انسان سریزند یا نه.

۱. فتح آیه ۲۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۶.

۵. واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۱۶۷، واژه رفق.

۶. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۸، ص ۲۳۳.



عفو و مدارا و تحمل دیگران، از والاترین ارزش های اخلاقی و انسانی و نیز نشانه تعالی روح و عظمت شخصیت آدمی است. ایجاد جامعه ای منسجم و قدرتمند در گرو آن است که افراد آن، اندیشه ها و سلیقه های مختلف را تحمل کنند و از کنار برخوردهای سفیهانه، با اخلاق کریمانه درگذرند و با عفو و بخشش، کینه ها را به محبت مبدل سازند.

۵-۱. مدارا در قرآن

در آیه شریفه ۱۹۹ سوره اعراف می خوانیم:

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن)!

مخاطب این آیه شریفه، شخص پیامبر اسلام است. یعنی مدارا و گذشت و پذیرش خطاهای دیگران، مسأله ای است که در درجه اول پیشوایان جامعه باید به آن عمل کنند، و بر آن مداومت داشته باشند، تا مردم به تبعیت از آنها عامل به این آیات باشند. دومین آیه ای که پیرامون مدارا، سخن می گوید، آیه ۷۲ همین سوره فرقان است. در این آیه شریفه می خوانیم:

«وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»

عبادالرحمن هنگامی که با سخنان لغو، انسانهای لغو، مجالس لغو، خلاصه هر آنچه لغو است، مواجه می شوند، بزرگوارانه از کنار آن عبور می کنند، و درگیر آن نمی شوند. البته آیه فوق علاوه بر مسأله «مدارا» صفت دیگری از صفات عبادالرحمن را نیز بیان می کند، که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

خلاصه این که، یکی از صفات و ویژگی های عبادالرحمن تحمل و حوصله و صبر، در برابر انسانهای جاهل و نادان است؛ یعنی عصبانی نمی شوند، و با آنها گلاویز و درگیر نمی گردند؛ بلکه تا حد امکان با مدارا و نرمی با آنها رفتار می کنند.

۵-۲. مدارا در روایات

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می خوانیم:

أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدَّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ



عاقل ترین مردم کسی است که بیش از همه با مردم مدارا کند. بر خلاف آنچه امروزه مرسوم شده، که مردم با کمترین برخوردی عصبانی می‌شوند، و در مواجهه با دیگران تحمل و سعه صدر ندارند، اسلام تأکید می‌کند که مسلمان عاقل باید اهل مدارای با مردم باشد، و هر چه قدرت مدارایش بیشتر باشد، عقل او بیشتر خواهد بود.

در روایت دیگری از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) چنین می‌خوانیم:

إِنَّا أَمَرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْنَا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ^۱

ما پیامبران الهی همانگونه که مأمور انجام واجبات هستیم، موظف به مدارای با عموم مردم نیز می‌باشیم.

هم ردیف قرار دادن «مدارات» با «واجبات» نشانگر اهمّیت مساله مدارات است؛ زیرا کار پیامبران، امامان، علما، مربّیان، معلمان و تمام کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت فعالیت می‌کنند، بدون مدارای با مخاطبانشان پیشرفتی نخواهد داشت.

آن حضرت در روایت سوم می‌فرماید:

مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيْمَانِ^۲

نیمی از ایمان را مدارای با مردم تشکیل می‌دهد.

لازم به ذکر است که مدارا و عفو از ارزشهای والای انسانی و دینی و مورد تأکید اسلام است، ولی مداهنه «دهن» در اصل به معنای «نرمی و سهولت» است و به همین مناسبت روغن را دهن گویند و ادهان و مداهنه به معنای «نرمش و سازش» است. این واژه، به طور معمول، درباره سازشکاری منافقانه و مذموم به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که برای رسیدن به منافع شخصی، بخشی از حق و حقیقت، مورد معامله قرار گیرد.

۶. مودّت و اخوت با مؤمنان

یکی از امور ارزشی و اخلاقی دوستی با مومنان است که این دوستی لوازمی چون کمک کردن، وفاداری و دستگیری از آن‌ها را به همراه دارد. خداوند متعال یکی از چیزهایی

۱. سفینه البحار، جلد ۳، صفحه ۳۰.

۲. سفینه البحار، جلد ۳، صفحه ۳۱.



که در روح انسان قرار داده‌است، محبت و دوستی به کسانی است که کمالی دارند، خواه کمال جسمانی، عقلانی، روانی یا عاطفی. انسان هنگامی که احساس می‌کند کسی کمالی دارد به آن کمال و صاحب کمال محبت پیدا می‌کند. در میان کمالات، بالاترین کمال، ایمان به خداوند و انجام دادن عمل صالح است. از سوی دیگر مومنان با تثبیت و تقویت دین انسان، به او خدمت می‌کنند، از این رو انسان به طور فطری به مومنان علاقه و محبت دارد. از جمله واجباتی هم که همه مسلمانان باید به آن عمل کنند، این است که با دوستان خدا دوست باشند و با دشمنان خدا دشمن.

۶-۱. مودت و اخوت با مؤمنان در قرآن

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^۱

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

آیه اخوت دهمین آیه سوره حجرات که خداوند در آن از رابطه برادری (اخوت) میان مؤمنان و وظیفه مسلمانان در قبال هم سخن گفته‌است. بنابر این آیه، مؤمنان برادر یکدیگرند و در صورت وقوع درگیری بین آنان، دیگر مسلمانان وظیفه دارند آنان را آشتی دهند. رسول خدا (ص) پس از نزول این آیه میان صحابه عقد اخوت برقرار ساخت و علی بن علی بن طالب را برادر خویش خواند.

۶-۲. مودت و اخوت با مومنان در روایات

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَأَ يَخُونُهُ وَ لَأَ يَظْلِمُهُ وَ لَأَ يَغْشَاهُ وَ لَأَ يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلَفُهُ^۲

امام صادق (ع) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت و ستم و غش روا ندارد و با او خلف وعده نکند.

۱. حجرات آیه ۱۰.

۲. اصول کافی ج: ۳ ص: ۲۴۲ روایت: ۳.

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرَوَّاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لِأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا!

امام صادق(ع) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، مانند یک پیکری که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضاء دیگر هم احساس درد می‌کنند و روح‌های آن‌ها نیز از یک روح است، و همانا روح مؤمن پیوستگیش به روح خدا از پیوستگی پرتو خورشید به خورشید بیشتر است.

۷. نفرت از دشمنان دین

تبری، یا برائت به معنای دوری جستن از دشمنان خدا و دشمنان اولیای دین، اصطلاحی کلامی و از آموزه‌های اعتقادی و رفتاری دینی، به ویژه نزد شیعیان و برخی دیگر از فرقه‌های اسلامی. این اصطلاح ریشه در قرآن داشته و در ۲۰ سوره قرآن مطرح شده‌است. اگر انسان کسی را دشمن بداند، عقل حکم می‌کند که از او دوری کند و مراقب خطرهای او باشد. همان گونه که خداوند در فطرت انسان، دوستی و علاقه نهاده است، در برابر آن، بغض و دشمنی هم قرار داده‌است. مقتضای فطرت انسان این است که کسی را که به او زیان می‌زند را دشمن بدارد. زیان‌های دنیوی گرچه در جای خود اهمیتی دارد، اما برای مومن ضرر و زیان اخروی مهم‌تر است چرا که باعث گرفتن سعادت ابدی و گرفتار شدن در شقاوت ابدی را به همراه دارد.

اگر انسان با دشمنان خدا و دین دشمنی نکند، به تدریج رفتار او با آن‌ها دوستانه می‌شود و بر اثر معاشرت کم‌کم رفتار و سخنان آن‌ها را می‌پذیرد و اندک‌اندک مانند آن‌ها شیطانی می‌شود و سعادت ابدی خود را از دست می‌دهد.

۷-۱. نفرت از دشمنان دین در قرآن

قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۳
ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کفر ورزیده اند اطاعت کنید

۱. اصول کافی ج: ۳ ص: ۲۴۲ روایت: ۴.

۲. آل عمران آیه ۱۴۹.



شما را از عقیده تان باز می گردانند و زیانکار خواهید گشت.

قرآن حضرت ابراهیم علیه السلام را در نشان دادن دشمنی با کافران و دشمنان دین تا روز قیامت به عنوان الگو معرفی می کند:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ!

قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید جز [در] سخن ابراهیم [که] به [انا] پدر [ای] خود [گفت] حتماً برای تو آمرزش خواهیم خواست با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست.

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ!

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یسوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

با توجه به این آیات می توان نتیجه گرفت که از دشمنان دین و خدا باید نفرت داشت و از آن ها دوری گزید، مخصوصاً دشمنان کینه تو و قسم خورده که باید بیشتر



۱. ممتحنه آیه ۴.

۲. بقره آیه ۱۲۰.

مراقب آن ها بود. برای همین لعن دشمنان و برائت جستن از آن ها لازم و ضروری است.

۷-۲. نفرت از دشمنان دین در روایات

۱- «امام علی بن موسی الرضا علیه السلام»: کَمَالُ الدِّينِ وَلايَتُّنَا وَالبَرَاءَةُ مِنَ عَدُوِّنَا^۱

کمال دین، در ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست.

۲- «امام جعفر صادق علیه السلام»: كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِرْأَ مِنْ عَدُوِّنَا.^۲

دروغ می گوید کسی که ادعای محبت ما را می کند ولی از دشمنان ما تبری و بیزاری نمی جوید.

۳- «امام زین العابدین علیه السلام»: مَنْ أَحَبَّ أَعْدَاءَنَا فَقَدْ عَادَانَا وَ نَحْنُ مِنْهُ بَرَاءٌ وَاللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ بَرِيءٌ.^۳

کسی که دشمنان ما را دوست بدارد با ما دشمنی کرده و ما از او بیزاریم و خداوند متعال نیز از او بیزار است.

۴- «امام محمدباقر علیه السلام»: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ حُبَّنَا فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ شَارَكَ

فِي حُبِّنَا حُبَّ عَدُوِّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ.^۴

اگر کسی بخواهد میزان دوستی خود را نسبت به ما بداند به دل خود مراجعه کند اگر ما را دوست می دارد و دشمنان ما را هم دوست می دارد او از ما نیست و ما هم از او نیستیم.

۵- «مولی امیرالمؤمنین علیه السلام»: لا يَجْتَمِعُ حُبُّنَا وَ حُبُّ عَدُوِّنَا فِي جَوْفِ انْصَانٍ،

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ فَيُحِبُّ بِهَذَا وَيُبْغِضُ بِهَذَا.^۵

دوستی ما با دوستی دشمن ما در یک دل نمی گنجد، چرا که خداوند برای یک

انسان دو تا دل قرار ن داده است که با یکی دوستی کند و با دیگری دشمنی بدارد.



۱. بحار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۲. بحار، ج ۲۷، ص ۵۹.

۳. بحار، ج ۲۷، ص ۶۰.

۴. بحار، ج ۲۷، ص ۵۱.

۵. نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۳۴.

۸. وجدان کاری

وجدان کاری (اخلاق حرفه‌ای) ترکیب دو واژه «وجدان» و «کاری» است که در اصطلاح مدیریت می‌توان آن را "احساس تعهد داخلی به منظور رعایت الزاماتی که در ارتباط با کار مورد توافق قرار گرفته‌است" تعریف نمود. به بیان دیگر، منظور از وجدان کاری، رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظایفی است که قرار است انسان آنها را به انجام برساند؛ به گونه‌ای که اگر بازرس و ناظری نیز بر فعالیت او نظاره‌گر نباشد، باز هم در انجام وظیفه خود کوتاهی نکند. پسندیده‌بودن وجدان کاری از مستقلات عقلیه است و عقل بدون کمک وحی می‌تواند خوبی آن را تشخیص دهد. جامعه انسانی به تقویت وجدان کاری و تغییر در فرهنگ کار نیازمند است؛ چرا که نیروی انسانی متعهد، سازمان و جامعه را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهد.

۸-۱. وجدان کاری در قرآن

در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی را برای انسان بیان کرده‌است؛ به عنوان مثال قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده‌است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ

هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ۚ

از آن چه نمی‌دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش و چشم و دل ها همه مسئول هستند.

خداوند در وصف مؤمنان می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ ۚ

۱. انعام آیه ۱۶۴. آیه ۱۸ سوره فاطر، آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۷ سوره زمر و آیه ۳۸ سوره نجم.

۲. اسراء آیه ۳۶.

۳. انفال آیه ۲.



مؤمنان کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود دل هایشان ترسان گردد.

«وجل»؛ همان حالت خوف و ترسی است که سرچشمه آن گاهی بخاطر درک مسئولیت ها و احتمال عدم قیام به وظایف لازم در برابر خدا می باشد که این حالت به عنوان یکی از صفات مؤمنان ذکر شده است.

مسئولیت پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت این که این امانت عظیم، به انسان سپرده شد این بود که او این قابلیت را داشت و می توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر کند؛ چنان که خداوند در قرآن می فرماید:

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا^۱

ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم آن ها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود.

۸-۲. وجدان کاری در روایات

قال الصادق (عليه السلام): لما مات ابراهيم ابن رسول الله (صلى الله عليه و آله) قال: اذا عمل احدكم عملا فليتقن.^۲

امام صادق (عليه السلام): چون ابراهيم فرزند پيامبر (صلى الله عليه و آله) در گذشت، پيامبر در قبر او شكافى ديد و آنرا با دست، پر كرد. سپس فرمود: هر گاه كسى از شما كارى كرد، محكم كارى كند.

حتى نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم وارد قبر سعد بن معاذ شدند و او را در لحد گذاشتند و خشت خام بر او نهادند و فرمودند که به من گل و سنگ بدهید و شکاف های آن را بستند. بعد فرمودند که البته من می دانم که به زودی

۱. احزاب آیه ۷۲.

۲. کافی ج ۲ ص ۲۳۰ و ۲۳۱.



خواهد پوسید ولی خداوند بنده ای را دوست دارد که هنگامی کاری را انجام می دهد آن را محکم و استوار انجام دهد.

۹. خیرخواهی

خیرخواهی یعنی خواستن خیر و خوبی برای دیگران در فرهنگ انسان ساز اسلام از منزلتی والا برخوردار است. «خیرخواهی» گاهی با «نصیحت» هم معناست و نصیحت یعنی درخواست عمل یا سخنی که مصلحت کننده آن کار و گوینده آن سخن را در پی داشته باشد یا دعوت به آنچه که صلاح مخاطب در آن باشد و نهی از چیزی که تباهی و فساد در پی دارد. بنابراین، ناصح و خیرخواه کسی است که به کردار و گفتار نیک راهنمایی کند. صفت خیرخواهی بر خلاف صفت زشت حسادت است. حسادت آن است که انسان نه تنها خیر دیگران را نخواهد، بلکه آرزو کند که نعمت و کمال آن ها از بین برود.

مرحوم علامه مجلسی در توضیح نصیحت می فرماید: نصیحت به معنای سخن یا رفتاری است که با آن خیر برای نصیحت شونده اراده می شود.

۹-۱. خیرخواهی در قرآن

قرآن از زبان حضرت نوح علیه السلام، شیخ الانبیاء که ۹۵۰ سال امت خویش را به راه حق دعوت نمود و دلسوزانه در پی خیرخواهی آنان بود، چنین نقل می کند:

«أَبْلَغُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱

«رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی از لطف و رحمت می دانم که شما نمی دانید.»

قرآن از زبان حضرت هود علیه السلام نیز نقل می کند که:

«أَبْلَغُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»^۲

«رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم.»

۱. اعراف آیه ۶۲

۲. اعراف آیه ۶۸

اخلاق اجتماعی

حضرت هود علیه‌السلام وقتی مبعوث شد مردم خویش را نصیحت و هدایت کرد؛ ولی آنها از سخنان هود علیه‌السلام به خشم آمدند و به او حمله کردند و گلوی او را آن قدر فشردند که نزدیک بود جان دهد و تا یک شبانه روز بیهوش افتاده بود. با این حال، خدا به او خطاب فرمود که مبادا از هدایت و خیرخواهی مردم ملول و خسته شوی و باید به کار خویش ادامه دهی.

حضرت صالح علیه‌السلام نیز به قوم خود فرمود:

«يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ»^۱

«ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی را

انجام دادم؛ ولی [چه کنم که] شما خیرخواهان را دوست ندارید.»

نکته‌ای که از این آیه استفاده می‌شود، این است که خیرخواهی آن‌گاه اثر می‌گذارد که انسان به خیرخواهان ارادت و محبت داشته باشد.

۹-۲. خیرخواهی در روایات

اهمیت این نحوه از خیرخواهی به حدی است که در روایات تاکید شده دانشمندان و آگاهان اگر از خیرخواهی امتناع ورزند و دیگران را راهنمایی نکنند، خیانت پیشه کرده‌اند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْعُلَمَاءُ فِي أَنْفُسِهِمْ خَانَةٌ أَنْ كَتَمُوا النَّصِيحَةَ»^۲

دانشمندان اگر نصیحت را پنهان دارند، خود خائنند. بر این اساس، بر آگاهان

و مجربان فرض است که نسبت به جامعه خیرخواهی کنند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ»^۳

خیرخواهی مؤمن بر مؤمن، واجب است.

۱۰۳



۱. اعراف آیه ۷۹.

۲. فروع کافی، ج ۸، ص ۵۴.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۱۰. خانواده‌گرایی

انسان دارای نیازهای گوناگونی اعم از غریزی، فطری، تکوینی، عاطفی، جنسی و ... دارد؛ که برای رفع این نیازها تلاش می‌کند. اصیل‌ترین جایگاه برآورده شدن این نیازها در محیط خانواده است. مثلاً فرزند نیاز تکوینی و مستقیم خود را از پدر و مادر تأمین می‌کند و زن و شوهر هم نیازهای عاطفی و جنسی خود را تأمین می‌کنند؛ و همچنین اعضای خانواده در تأمین نیازهای خارجی همدیگر را یاری می‌کنند.

خدای متعال در وجود مرد و زن میل و گرایش غریزی به یک دیگر را نهاده است که باعث ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود. این میل غریزی و محبت خاص میان زن و مرد عامل بقای نسل انسان است.

خانواده‌گرایی برای فرزندان نیز ارزش بسیاری دارد و باعث تربیت، رشد و کمال و پیشرفت آن‌ها می‌شود. در خانواده‌هایی که بر اثر مشکلاتی از هم جدا می‌شوند، فرزندان بیشترین آسیب روحی و اجتماعی می‌خورند. در این خانواده‌ها، فرزندان گریبانگیر مشکلاتی چون فقر، اعتیاد، دزدی و ... می‌شوند.

۱۰-۱. خانواده‌گرایی در قرآن

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است.

درسوره نور آیات ۳۲ و ۳۳ قرآن مجید خداوند می‌فرماید: دخترها و پسرها مجرد را و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند، همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خدا به کرم خود توانگرشان خواهد ساخت که خدا گشایش دهنده و داناست، آنان که استطاعت برای ازدواج ندارند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا از کرم خویش توانگرشان گرداند.

۱. روم آیه ۲۱.



۱۰-۲. خانواده‌گرایی در روایات

با توجه به روایات و آموزه های دینی هر چیزی که باعث تشکیل و تقویت خانواده بشود، پسندیده و نیکوست؛ و هر چیزی که باعث تضعیف و شکست تشکیل خانواده بشود، امری مذموم و ناپسند است.

امام صادق (ع) فرمود: مردی نزد پدرم آمد، پدرم به او گفت: آیا همسر داری؟ گفت: نه، پدرم گفت: من دنیا و آنچه در آن است را با یک شب بودن با همسر عوض نمی کنم. سپس فرمود: دو رکعت نماز مردی که ازدواج کرده، بر نماز شب و روزه مرد مجرد برتری دارد. سپس پدرم هفت دینار به او داد و گفت: با این مبلغ مقدمات ازدواج را فراهم کن، آنگاه پدرم افزود: رسول خدا (ص) فرمود: تشکیل خانواده دهید (ازدواج کنید که رزق و روزی شما افزون شود).^۱

امام صادق (ع) می فرماید: هر که دختر یا پسر مجردی را همسر دهد، خداوند در روز قیامت با دیده رحمت به او می نگرد.

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر (ص) می فرماید: ازدواج کنید و مجردان را نیز همسر دهید. آگاه باشید بهره مسلمان آن است که مالی را جهت ازدواج فرد مجردی هزینه کند. هیچ چیز نزد خداوند عزوجل محبوب تر از خانه ای که با ازدواج آباد شود، نیست. سپس امام صادق (ع) فرمود: خداوند عزوجل در مورد طلاق هشدار داده و مکرر این هشدار را بیان فرمود و این به دلیل نفرت او از طلاق بود.

۱۰-۳. خانواده‌گرایی و موارد تزاحم با آن

گرچه خانواده‌گرایی ارزش است و بسیار پسندیده و نیکوست؛ اما این ارزش مطلق نیست و مشروط به شرایطی است. همان طور هر چیزی در جای خود و به اندازه خوب است و افراط و تفریط در آن زیان بار است، در خانواده‌گرایی هم همینطور است. در مواردی که این ارزش با دستورات دین و شرع مقدس در تزاحم باشد این محبت به خانواده و خانواده‌گرایی امری مذموم و نکوهیده می شود. مانند آن که بر انسان جهاد واجب باشد و انسان این امر مهم را به خاطر خانواده و محبت و دل بستگی به خانواده اش آن را ترک کند.

خداوند در قرآن خطر این نکته را گوشزد کرده است:

۱. بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۱۷.



قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اقتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ
رَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفَاسِقِينَ^۱

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و خاندان شما و ثروت‌هایی که
جمع کرده‌اید و تجارتي که از کسادی آن بیم دارید و خانه‌هایی که به آنها
دلخوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر باشد،
پس منتظر باشید تا خداوند، فرمان (قهر) خویش را به اجرا در آورد. و
خداوند، گروه نافرمان را هدایت نمی‌کند.

در راه دوستی خدا و جهاد در راه او باید از همه چیز و همه کس گذشت. زیرا حفظ
دین، بر حفظ روابط خانوادگی، عاطفی و اقتصادی مقدم است.

فهرست منابع

١. قرآن
٢. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتى
٣. علامه مجلسى، بحار الأنوار انتشارات الاسلاميه
٤. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانى
٥. ثقة الاسلام كلينى، اصول الكافى
٦. عبدالواحد تميمى آمدى، غُررُ الحِكْمِ و دُررُ الكَلِمِ
٧. شيخ عباس قمى، سفينه البحار
٨. واسطى زبيدى، محب الدين سيد محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس
٩. عبد على بن جمعة العروسى حويزى، نور الثقلين، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان
١٠. علامه مجلسى، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول
١١. ابن شعبه حرانى، تُحْفُ العُقُولِ فيما جاءَ مِنَ الحِكْمِ وَ المَواعِظِ مِنَ آلِ الرِّسُولِ
١٢. ابن منظور، لسان العرب
١٣. علاء الدين على بن حسام معروف به متقى هندی، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال

